

# شاهدان خاموش خشونت، شریک خشونت هستند

Photo: painless/bigstockphoto.com

**خانه امن:** پاسخ‌های این قسمت به صورت عمومی و برای عرضه به گروه بزرگی از مخاطبان طراحی شده است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگویی نیازهای خاص و شخصی افراد باشد. برای بررسی دقیق‌تر مشکلات، ما مشاوره‌های انفرادی را توصیه می‌کنیم، که از حوزه توانایی‌های خانه امن خارج است.

رزا خورشیدی، مشاور خانواده

**سوال:** من با پسرخاله‌ام ازدواج کرده‌ام و مادرشوهرم خاله من هست. ایشان سالمند است و متأسفانه همسر من با مادرش رفتارهای خشونت‌آمیزی می‌کند و دو دختر من شاهد این رفتارها هستند. من یا مجبورم مدام با شوهرم سر این رفتارها بحث کنم یا سکوت. همسر من به مادرش فحش می‌دهد و دوبار که مادرش روی زمین ادرار کرده او را کتک زده است. سوال من این است که آیا باید با دو دخترم شش و نه ساله هستند درباره خشونت صحبت کنم؟ اگر جواب مثبت است چه بگویم؟ که هم پدرشان جلو فرزندان خرد نشود و هم آنها بدانند چنین کاری صحیح نیست. دختر نه ساله‌ام بار آخر گریه می‌کرد و به پدرش التماس می‌کرد که با خاله‌جان عصبانی نشود. سوال من این است که چطور باید با فرزندانم که شاهد این خشونت هستند صحبت کنم؟

**پاسخ:** خشونت بر علیه کودکان، معلولین و سالمندان از بدترین انواع خشونت است چرا که قربانی توانایی دفاع از خود را حتی اگر بخواهد، ندارد. در کشورهای پیشرفته این کار مجازات بسیار سنگینی دارد و بدون نیاز به شاکی خصوصی، این جرایم قابل پیگیری است. فقط مسئله این است که کسی پیدا شود و به پلیس تلفن کند و دیگر کار تمام است. اما در اینجا یک مانع بزرگ وجود دارد. آیا هر کس که شاهد خشونت خانگی است، احساس مسئولیت می‌کند و دست به اقدامی می‌زند یا نه؟ متأسفانه حتی در کشورهایی که قانون صریحا از قربانی خشونت و شهادی که خبر آنرا به پلیس رسانده حمایت می‌کند، درصد بالایی از شاهدان خشونت این کار را نمی‌کنند.

## شاهدان خاموش

یادم هست چند سال پیش تمام راهروهای دانشگاه ما را که بسیار بزرگ است از صدها مانکن چوبی که هر کدام کاغذی به گردن داشتند پر کرده بودند. هر کدام نماینده کسی بود که در اثر خشونت خانگی کشته شده و حداقل یک نفر از این موضوع اطلاع داشته و چیزی نگفته بود. اسم نمایشگاه «شاهدان خاموش» بود. روی کاغذی که به گردن مانکن‌ها بود نام، سن هنگام مرگ، نسبت او با قاتل و چگونگی قتل نوشته شده بود. اکثریت قریب به اتفاق را زنان جوان تشکیل می‌دادند. همه آن قربانیان مظلوم که بعضا فرزند خردسال داشتند را می‌شد به سادگی با گرفتن یک شماره تلفن سه رقمی نجات داد ولی هیچکس این کار را نکرده بود.

خانم عزیز این سالمند تیره روزی که در دستان همسر شما اسیر است و قربانی خشونت اوست، حتی اگر خاله شما، یا مادرشوهر شما هم نباشد، یک انسان بی‌دفاع است. سکوت در برابر ظلم، بدون شک نوعی همدستی با ظالم به شمار می‌رود. فرقی نمی‌کند که ظالم همسر، فرزند، والد، همسایه، دوست شما، یا اصلا یک فرد غریبه باشد که در خیابان دارد کسی را آزار می‌دهد. اگر اعتراض نکنیم ما هم در برابر خدا، وجدان، یا هر آنچه که به آن اعتقاد داریم مسئولیم و باید پاسخگو باشیم.

نگران چه چیزی هستید؟ حرمت همسران؟ کسی که حرمت مادری که او را پرورده نگاه نمی‌دارد؟ البته منظورم این نیست که شما به ایشان پرخاش کنید ولی حتما و فوراً اعتراض کنید. به دخترانتان می‌خواهید چه بگویید؟ با احتیاط و یواشکی به آنها بگویید که البته پدرشان کار بدی می‌کند و علتش کار زیاد و خستگی و اعصاب ناراحت است ولی به هر حال پدرشان است و باید احترامش را نگه داشت؟ فکر می‌کنید با سکوت خود چه درسی به دخترانتان می‌دهید؟ آنها بعدها در مقابل ظلم به خودشان و دیگران سکوت نخواهند کرد؟ شما دارید نسل بعدی قربانیان خشونت خانگی را در خانه خود بار می‌آورید. وانگهی داستانی که همه ما در کودکی شنیدیم را فراموش کردید؟ همان پسر کوچکی را می‌گویم که از پدرش خواسته بود سببی را که پدر بزرگ پیر را در آن گذاشته و در بیابان رها کرده بودند را با خود بیاورد چون وقتی پدر پیر شد او سب را لازم خواهد داشت. امیدوارم شما هرگز به سرنوشت مادر شوهرتان دچار نشوید ولی غیر ممکن هم نیست. توقع دارید دخترانتان با شما چه رفتاری داشته باشند؟

## چرا سکوت؟

سکوت شما هیچ توجیهی ندارد. تا وقتی که بتوانید به هر ترتیب مسئله را از ریشه حل کنید، از هر راهی که می‌توانید جلوی این ظلم

آشکارا را بگیرید. قبل از هرکاری به همسرتان اعتراض کنید. اعتراض لزوماً با جنگ و دعوا همراه نیست. اگر روابط خوبی با شوهرتان دارید با ایشان به آرامی صحبت کنید و بگویید که دیدن آن صحنه‌ها شما را آزار می‌دهد و به هیچ وجه به صلاح فرزندانتان هم نیست.

می‌توانید کارهای مادرشوهرتان را خودتان با کمک در حد توان دخترانتان انجام دهید تا همسرتان او را آزار ندهد. اگر وضع مالی شما اجازه می‌دهد، از یک نفر برای پرستاری از ایشان کمک بگیرید. همزمان فعالانه برای پایان دادن به این وضعیت اقدام کنید. من اطلاعی از امکانات شما ندارم. با بزرگترهای فامیل تماس بگیرید و از آنها کمک بخواهید. اگر خاله شما فرزندان دیگری هم دارد، از آنها بخواهید که در نگهداری از مادرشان کمک کنند تا همه فشار روی همسر شما نباشد. البته کار همسر شما هیچ توجیهی ندارد. شاید راه‌های دیگری پیش پای شما باشد که من اطلاع ندارم ولی به هر ترتیب این وضعیت باید فوراً متوقف شود. اگر از راه‌های مسالمت‌آمیز نتوانستید مانع همسرتان شوید، با راهنمایی [مشاورین حقوقی خانه امن](#) اقدام کنید. فکر می‌کنم اورژانس اجتماعی بهزیستی از مادر شوهر شما حمایت کند.